

خدای حال بخش، خدای حال گیر!

محمد رضا سنگری

وقتی در باغ جانمان شکوفه‌های مهر می‌روید....

وقتی آسمان قلبمان روشن و آفتابی است...
وقتی سرانگشتان به گره‌گشایی می‌گشاییم، اشکی از گونه‌ای می‌زداییم، تاریکزار ضمیر و ذهنی را به روشنائی ایمان و دانش می‌آراییم، خدای حال بخش، حال خوبمان می‌بخشد و تا رسیدن به احسن حال، یاورمان می‌شود. خودش گفته است: فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (لیل / ۵۷).
هر آنکه ببخشد و پرهیزگارانه زیست کند و راستی و درستی پیشه سازد، دشواری‌ها را بر او آسان خواهیم کرد و این، یعنی حال خوش چشیدن به پاس حال خوش به دیگران بخشیدن.
اما همین خدا حال گیر است! آنان که از می‌ورزند و دستی به بخشش نمی‌گشایند و با دروغ، فروغ از زندگی می‌گیرند، زیستنی تلخ و تاریک و دشوار خواهند یافت.

وَأَمَّا مَنْ يَخْلُ وَاسْتَعْتَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (لیل / ۸۱)

تا حالا، خدا حال بسیار کسان را گرفته که زشتی و پلشتی و درشتی شیوه ناروای زندگی‌شان بوده است. چه فرعون‌ها و قارون‌ها و هامان‌ها فروشکسته‌اند و قدرت و ثروت و شهرتشان بر باد رفته است و چه بسیاری که هر روز لبخند مهربان خدا سایه بر چهره‌شان می‌افکند و دست نوازشگر او بر شانه‌هایشان می‌نشیند و جام آرامش به جانشان می‌نوشاند. اینان خوش حالان عالم‌اند.

بهار، شناخت همین حال بخشی‌ها و حال گیری‌هاست!

بهار یعنی در فصل گل، خار نباش. همچون خار به دامان کسی می‌آویز تا از رفتن بازماند. در سخاوت آسمان و باران، رسم آزمندی و بخل‌ورزی برانداز!

در رستاخیز خاک و بیداری درختان و چشم گشودن شکوفه‌ها بر هر چه خواب، خط باید کشید. بهار، کریم است! ابرهای کریم، نسیم‌های کریم، درختان کریم به ما زندگی تعارف می‌کنند؛ چرا ما کریم نباشیم! نیما می‌گوید:

با ابر بهار گفتم: ای ابر بهار

بر خاربناں بهر چه بگشایی بار؟

خندید و گریست ابر و گفت: ای غمخوار

در پیش عطای ما، چه گلزار چه خار

بهار نمایش سپاسگزاری است. زمین سپاسگزار است، به پاس آبی که نوشیده، میوه و گل و شکوفه تعارف می‌کند. گل به پاس بهره‌ای که از خاک و آب و آفتاب و نسیم گرفته، رایحه خوش می‌بخشد. چشمه به پاس سیراب شدن از کوه، سبزه‌ها و خاک تشنه را می‌نوازد.

بلبل به پاس دیدن گل، نغمه‌خوانی می‌کند....

... اما ما! دریغ....

بهار، درس آموز حرکت به سمت بالاست. جشن رهایی از خاک است. آغاز پرواز سلیمانی آفرینش است. درخت‌ها به بالا قامت می‌کشند. شاخه‌ها به سمت آسمان بال می‌گشایند. دانه‌ها با تاریکی خاک وداع می‌گویند و به آفتاب سلام می‌دهند. جوجگان، از آشیان بال و پر می‌گشایند و به زیارت و ضیافت آسمان می‌روند.

در بهار، همه چیز تازه می‌شود؛ تازگی و نوآوری قانون بهار است. در بهار، محول الحول و الاحوال، حال‌ها را دگرگون می‌کند و «احسن حال» در تقویم‌ها رقم می‌زند. راستی، تاکنون چندبار «یا محول الحول و الاحوال» گفته‌ایم و در احوال خویش ننگریسته‌ایم و به خانه‌تکانی و نو شدن نیندیشیده‌ایم؟

خدای حال بخش، از دادن و نوکردن و هر لحظه شأن تازه به هستی بخشیدن دریغ نمی‌کند (کل یوم هو فی شأن)؛ چرا ما به خود و دیگران حال خوش نبخشیم و بر حال گیری از دیگران خط قرمز نکشیم؟

بهار است و چه بهاری! بهاری که بهارانه‌ترین و بهارآورترین انسان - علی (ع) - در طلیعه آن از افق کعبه می‌شکفت و بهار بهار و خرمن خرمن گل به جان و جهان می‌بخشد.

بهار است چه بهاری! بهارانه‌ترین روزهای مردم سرزمین ایمان - ایران - در دوازدهم آن رقم می‌خورد و بهاری که بهار دل‌ها و بهار قرآن - رمضان - در آن رخسار و دیدار می‌نماید.

در بهار به شیوه بهارآوران، حال خوش به خود و دیگران هدیه کنیم و از هر چه قال و حال و اعمال بهارانه‌سوز، فاصله بگیریم.

حالتان خوش، بالتان آسمان آشنا و سالتان خرمن و روشن و زیبا باد!

بهار، درس آموز حرکت
به سمت بالاست. جشن
رهایی از خاک است.
آغاز پرواز سلیمانی
آفرینش است